



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران



فصلنامه حقوق‌پژای بین‌الملل

Volume 2, Issue 3, 2024

## Jurisprudential and Legal Foundations of Removing the Death Penalty in the Crimes of Carrying and Keeping Narcotics

Mehri Toutouchian\*<sup>1</sup>, Ramin Poursaeid<sup>2</sup>, Ali Gholamali<sup>3</sup>

1. PhD in Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

2. Faculty Member of the Department of Law and Social Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran.

3. Associate Professor, Islamic Studies Department, Payame Noor University, Tehran, Iran.

### ARTICLE INFORMATION

*Type of Article:*

**Original Research**

**Pages: 35-48**

*Corresponding Author's Info*

**ORCID:** 0000-0002-7933-5203

**TELL:** +989122455534

**Email:** mehri.toutouchian@gmail.com

*Article history:*

**Received:** 14 Apr 2024

**Revised:** 06 Jun 2024

**Accepted:** 01 Aug 2024

**Published online:** 22 Sep 2024

*Keywords:*

*Execution, The Corrupter of the Earth, Carrier and Maintainer, Drug Crimes.*

### ABSTRACT

There is no independent document in the international criminal law system that prohibits the death penalty for drug crimes in general. In fact, the international criminal law system currently seeks to prohibit the death penalty not by way of example but in general and as a general principle. One of the fundamental challenges of the Islamic Republic of Iran is drug crimes, which also encompass a wide range of other criminal behaviors. In this regard, the legislator has established a special criminal policy and punishment to deal with these crimes. Opiate criminals, including buyers, sellers, distributors, consumers, carriers and holders of drugs, are all considered corrupters of the earth and are sentenced to death. Although the carrier and possessor of drugs is a criminal, there has not yet been enough corruption in society to be included in the noble verse 33 of Surah Al-Ma'idah as a corrupter on earth and sentenced to death. It seems that it is possible to prevent the violation of the rule of precaution in the blood of Muslims and to consider a reduction in punishment and a suitable alternative for those sentenced to death, especially those carrying and possessing drugs. This reduction in the death penalty can be a deterrent to recidivism, the reform of the criminal and his return to his family and society. The present applied research was conducted with the aim of investigating the possibility of eliminating the death penalty for the crimes of carrying and possessing drugs and used the attributional method to collect and analyze the materials.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2024 The Authors.

**How to Cite This Article:** Toutouchian, M; Poursaeid, R & Gholamali, A (2024). "Jurisprudential and Legal Foundations of Removing the Death Penalty in the Crimes of Carrying and Keeping Narcotics". *Journal of International Criminal Law*, 2(3): 35-48.



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران

# فصلنامه حقوق جزای بین‌الملل

www.iclj.ir



فصلنامه حقوق جزای بین‌الملل

دوره دوم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۳

## حذف کیفر اعدام در جرایم حامل و نگهدارنده مواد مخدر در حقوق ایران و بین‌الملل

مهری توتونچیان<sup>۱\*</sup>، رامین پورسعید<sup>۲</sup>، علی غلامعلی<sup>۳</sup>

۱. دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

۲. عضو هیأت علمی گروه حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

۳. دانشیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

### چکیده

در نظام حقوق بین‌الملل کیفری، سندی که به صورت مستقل مجازات اعدام را برای جرایم مواد مخدر به صورت کلی ممنوع کرده باشد، وجود ندارد. در واقع نظام حقوق بین‌الملل کیفری در حال حاضر نه به صورت مصدق، بلکه به صورت کلی و قامت یک اصل کلی به دنبال ایجاد ممنوعیت برای مجازات اعدام می‌باشد. یکی از چالش‌های اساسی جمهوری اسلامی ایران جرایم مواد مخدر است که دامنه گسترده‌ای از رفتارهای مجرمانه دیگری را نیز دربر گرفته است. در این راستا قانون‌گذار سیاست کیفری و مجازات ویژه‌ای را در برخورد با این جرایم قرار داده است. مجرمین مواد افیونی اعم از خریدار، فروشنده، توزیع‌کننده، مصرف‌کننده، حامل و نگهدارنده مواد مخدر، همه در حکم مفسد فی الارض قلمداد شده و محکوم به اعدام می‌باشند، اگرچه حامل و نگهدارنده مواد مخدر، مجرم است، ولی هنوز افسادی در جامعه صورت نگرفته تا مشمول آیه شریفه ۳۳ سوره مائده در حکم مفسد فی الارض قرار گیرد و به اعدام محکوم شود. به نظر می‌رسد که می‌توان از خلاف قاعده احتیاط در دماء مسلمین جلوگیری کرد و تخفیف مجازات و جایگزین مناسبی را برای محکومین به اعدام خصوص حامل و نگهدارنده مواد مخدر قائل شد. این تخفیف مجازات اعدام، می‌تواند عاملی بازدارنده از تکرار جرم، اصلاح مجرم و بازگشت او به خانواده و اجتماع باشد. پژوهش کاربردی حاضر، با هدف بررسی امکان حذف کیفر اعدام در جرایم حاملین و نگهدارنده‌های مواد مخدر صورت گرفته و با روش اسنادی به جمع‌آوری مطالب و تجزیه و تحلیل آن‌ها پرداخته است.

### اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۴۸-۳۵

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۵۲۰۳-۷۹۳۳-۰۰۰۲-۰۰۰۰-۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۹۱۲۲۴۵۵۵۳۴

ایمیل: mehri.toutouchian@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۶

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۳/۰۳/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۱۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱

واژگان کلیدی:

اعدام، مفسد فی الارض، حامل و نگهدارنده، جرایم مواد مخدر.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

## مقدمه

مواد افیونی و مسأله خانمان‌سوز اعتیاد، گاه رفتارهای مجرمانه دیگر و پیامدهای ناگواری را برای خانواده‌های مجرمین و جامعه به‌دنبال دارد که بعضاً قابل جبران نیست. در کشور ما به لحاظ موقعیت خاص جغرافیایی و سیاسی در ارتباط با مواد مخدر و مجرمین مواد افیونی اعم از خریدار، فروشنده، توزیع‌کننده، مصرف‌کننده، حامل و نگهدارنده مواد مخدر، همه در حکم مفسد فی الارض می‌باشند. قانون‌گذاران برای مقابله با این پدیده و آثار زیان‌بار آن، سیاست کیفری و اعمال مجازات‌های شدیدی، از جمله اعدام را به‌عنوان کیفر قرار دادند، اگرچه اعمال مجازات سنگین راهی برای جلوگیری از تکرار جرم مجرمین و عبرتی برای دیگران است، اما از طرفی هم می‌تواند آثار سوء فراوانی، از جمله بی‌سرپرست شدن خانواده‌ها، آموختن جرایم دیگر، جری شدن مجرم و ... را به‌دنبال داشته باشد.

باتوجه موضوع مورد پژوهش درخصوص حامل و نگهدارنده مواد مخدر، باید گفت، اگرچه مجرم هستند، اما از آنجا که هنوز مرتکب جرم و افساد در جامعه نشده‌اند تا مشمول آیه شریفه ۳۳ سوره مائده در حکم مفسد فی الارض قرار گیرند. درواقع محکوم شدن به اعدام این دسته از مجرمین قبل از تحقق جرم، محقق می‌شود و اصطلاحاً قصاص قبل از جنایت رخ می‌دهد. باتوجه به این نکته بسیار مهم که در آیه ۳۲ سوره مبارکه مائده هم به آن اشاره شده، نجات جان یک انسان به‌منزله نجات تمام مردم جامعه است و در مقابل کشتن یک فرد به‌منزله کشتن تمام مردم می‌باشد و از طرفی قوانین جمهوری اسلامی ایران نیز متأثر از احکام شرعی اسلام است، می‌توان با نظر به این که «اول ما یحکم الله فیه یوم القیامه الدماء المسلمین»، از خلاف قاعده احتیاط در دماء مسلمین جلوگیری کرد و برای محکومین به اعدام خصوص حامل و نگهدارنده مواد مخدر تخفیف مجازات و جایگزین مناسبی را قائل شد، چراکه برخی از حاملین و نگهدارندگان مواد افیونی، از وجود مواد در منزل یا وسیله نقلیه و وسایل خود آگاه نبوده، لذا قصد افساد در زمین را هم نداشته‌اند، پس اجرای حکم اعدام درخصوص این افراد می‌تواند علاوه بر آثار مخرب، دور از عدالت اسلامی باشد. از طرفی دیگر، این تخفیف مجازات اعدام، می‌تواند عاملی

بازدارنده از تکرار جرم، اصلاح مجرم و بازگشت او به خانواده و اجتماع باشد. بنابراین پژوهش کاربردی حاضر، درصدد بررسی امکان حذف کیفر اعدام در جرایم حاملین و نگهدارنده‌های مواد مخدر و روان‌گردان می‌باشد که با روش اسنادی و کتابخانه‌ای، پس از جمع‌آوری مطالب به تجزیه و تحلیل آن‌ها پرداخته است. در این راستا ضروری است تا برخی از مفاهیم کلیدی، از قبیل حدود، تعزیر، کیفر، جرم و مجازات شرح مختصری داده شود و سپس با استفاده از دلائل عقلی و نقلی موضوع مورد تحقیق بررسی گردد.

## ۱- معنی و مفهوم حدود، تعزیر، کیفر و مجازات

حدّ، مصدر و جمع آن حدود است و به این معانی می‌باشد؛ نهایت هر چیزی، حایل به حد فاصل میان دو چیز، واسطه میان دو چیزی که مانع از اختلاط و آمیختگی آن‌ها به یکدیگر می‌شود. «حدّ الشیء؛ کیفر و حدود و مشخصات هر چیزی»، «مِنْ كُلِّ شَیْءٍ سَخْتِی وَ شِدَّتِی چِیزِی»، «لِحَدِّ أَوْ إِلَى حَدِّ؛ تا پایان و نهایت»، «إِلَى حَدِّ الْآنَ وَ لِحَدِّ الْآنَ؛ تاکنون»، «إِلَى حَدِّ بَعِید، إِلَى حَدِّ کَبِیر؛ تا مدتی دراز»، «إِلَى حَدِّ مَا؛ تا حدودی»، «إِلَى أَمْرِ حَدِّ؛ تا چه حدی»، «لَا حَدَّ لَهُ؛ بیشترین حد»، «فی حدود؛ در حدود، تا میزانی»، «بَلَغَ أَقْصَى حُدُودِهِ؛ به بالاترین حد رسید» (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۴۵۷-۴۷۶).

حدود در قرآن کریم به معنی اطاعت از دستورات خداوند و تجاوز نکردن از آن‌هاست؛ «تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا» (بقره/۱۸۷)؛ «حُدُودُ اللَّهِ؛ طاعت و احکام شرعی خداوند»، وصف و تعریفی که شامل تمام معنی یک چیز می‌شود و تمیزدهنده آن چیز با غیر آن است، اعم از محرّمات و واجبات که نباید به محرّمات نزدیک شد و نباید از واجبات تجاوز کرد. در آیه شریفه ۲۲۹ سوره بقره آمده: «تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا» (بقره/۲۲۹). این آیه شریفه مجازات مجرمین و متجاوزین را بیان می‌کند؛ حَدِّ الزَّانَا وَ حَدِّ الخَمْرِ، تنبیه و تعزیر زنا کار و میخواره و شرابخواره است. از آن جهت که در «حد» مقصود آن نیست که دیگران عمل مجرمانه محکوم به حد را مرتکب نشده و آن کار را انجام ندهند، حد برای اشخاص دیگر ایجاد مانع نمی‌کند. به همین دلیل هم مجازات جرایمی همچون زنا و شرب خمر، حدی هستند (قرآتی و متوسلی، بی‌تا: ۲۱۸). این

که مطابق قانون در حق بزهکاران اجرا می‌شود را «أَشْعَالُ الشَّاقَّة» گویند (بستانی، ۱۳۷۶: ۹۷).

## ۲- وصف آمره حق حیات در نظام حقوق بین‌الملل کیفری

در این قسمت ابتدا به تبیین مفهوم قواعد آمره و تعهدات عام‌الشمول پرداخته خواهد شد، سپس حق حیات در قامت یکی از مصادیق قواعد و تعهدات مزبور مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

## ۲-۱- مفهوم قواعد آمره و تعهدات عام‌الشمول در نظام حقوق بین‌الملل کیفری

مفهوم قواعد آمره در ۵۳ کنوانسیون وین درخصوص حقوق معاهدات بین‌المللی تعریف شده است. ماده ۵۳ کنوانسیون وین مقرر می‌دارد: قاعده آمره، قاعده‌ای است که از سوی جامعه بین‌المللی دولت‌ها در کل به‌عنوان قاعده‌ای عدول‌ناپذیر شناخته و پذیرفته شده و هیچ‌گونه تخطی از آن مجاز نیست و تنها با یک قاعده بعدی حقوق بین‌الملل عام با همان ویژگی قابل تغییر است. از سوی دیگر نیز مفهوم تعهدات عام‌الشمول در پاراگراف ۳۳ و ۳۴ رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه بارسلونا تراکشن مورد توجه قرار گرفته است (Schutter, 2019: 608). به‌موجب رأی مزبور، باید میان تعهدات یک دولت در قبال جامعه بین‌المللی در کل و تعهدات او در برابر هر دولت دیگر در زمینه حمایت دیپلماتیک تفکیک اساسی قائل شویم. تعهدات دسته اول به‌دلیل ماهیتشان مرتبط با تمامی دولت‌ها هستند، لذا با توجه به اهمیت حقوق مزبور، تمامی دولت‌ها در حمایت از آن‌ها دارای نفع حقوقی هستند. آن‌ها (تعهدات دسته نخست) تعهداتی عام (ارگا آمنس) هستند، از جمله چنین تعهداتی که برای مثال ناشی شده‌اند از حقوق بین‌الملل معاصر، غیرقانونی بودن اعمال تجاوز، نسل‌زدایی و همچنین اصول و قواعد حاکم بر حقوق بنیادین شخص انسانی، از جمله حق حیات، حمایت در برابر بردگی و تبعیض نژادی می‌باشند (Beer, 2019: 81).

قواعد آمره و تعهدات عام‌الشمول در بخش‌های مختلف حقوق بین‌الملل دارای اثری شدید می‌باشد. یکی از این بخش‌ها، حقوق بین‌الملل کیفری می‌باشد. در حیطه جنایات بین‌المللی، نقض قواعد آمره و تعهدات عام‌الشمول موجب رد مصونیت قضایی کارکنان و دولت‌های خارجی، اعمال صلاحیت جهانی،

کلمه ۴۱ بار در قرآن کریم آمده و در اغلب اشاره به جمع است و چون جمع باعتبار جماعت مؤنث است، از این جهت با تلک اشاره می‌شود، مثل «تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ» (قرشی بنایی، ۱۴۱۲: ۱۱۲).

تعزیر، یاری کردن با تعظیم و بزرگداشت، نیز به‌معنی رد و منع است و چون دشمن کسی را رد و منع کنیم، درواقع او را یاری کرده‌ایم. نوعی از تنبیه و زدن که حد محسوب نشود، در آیات «وَتُعْزَّرُوهُ» (فتح/۹) «وَعَزَّرْتُمُوهُمْ» (مائده/۱۲)، با عنوان تعزیر معرفی شده‌اند. به‌نظر می‌رسد علت این تفاوت در استفاده از لفظ آن است که تعزیر و تنبیه گناهکار تأدیبی است و تأدیب نوعی یاری کردن بر مجرم است (قرائتی و متوسلی، بی‌تا: ۳۰۷) و تعزیر نصرت توأم با تعظیم؛ «فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ» (اعراف/۱۵۷). در این آیه عزروه به قرینه «نصروه» به‌معنی تعظیم می‌باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۵۹۵).

فعل «جزی» از باب مفاعله یک‌بار در قرآن به‌کار رفته، «ذَلِكَ جَزَاؤُهُمْ بِمَا كَفَرُوا وَ هَلْ نُجَازِي إِلَّا الْكُفُورَ» (سبأ/۱۷). «نُجَازِي» در این آیه شریفه به‌معنی تکثیر و شدت مجازات است. جزیه که از اهل کتاب گرفته می‌شود نیز از ماده جزی است. علت این تسمیه در اکتفا کردن به حفظ خون و احترام اهل کتاب است. الجزاء (جزی)، پاداش بر چیزی است. برخی مفسرین معتقدند مجازات در مقابل پایداری در کفر است و جزاء به‌معنی مکافات می‌باشد و اگر مابعدش، (باء و عَلی) بیاید، به‌معنی مکافات و مجازات است و اگر «عن» باشد، به‌معنی قضا و اداء می‌باشد (قرشی بنایی، ۱۴۱۲: ۳۵).

مجازات قصاص، بازدارنده کسی است که درصدد کشتن دیگران برمی‌آید. در قصاص، حیات و زندگی مردم تأمین می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۵۷۱-۵۶۸). مجازات نمودن شخص مذنب به گناهی که مرتکب شده و به او امان نداده را عاجل و مُعَاجَلَهً گویند. مجازات به‌معنی کیفر و عِقَاب است. ناگفته نماند موأخذه در تمام موارد آن در قرآن به‌معنی مجازات و أخذ به عقوبت است (بستانی، ۱۳۷۶: ۵۹۳).

کیفر، مجموعه قوانین کیفری می‌باشد، «قانونُ الجَزَاء». کیفر و مجازات الأمر: پایان آن کار خوب بود. کیفر بر اعمال شاقه

تحت هیچ شرایطی امکان نقض آن‌ها وجود ندارد. مصادیق حقوق بنیادین بشر یا همان حقوق غیرقابل تخطی در تمام شرایط (اعم از زمان صلح و جنگ) در میثاق حقوق مدنی و سیاسی بیان شده‌اند (اخوان‌فرد و بیرانوند، ۱۳۹۲: ۱۳-۱۲). مطابق مفاد ماده ۴ این میثاق، برخی حقوق به‌عنوان «حقوق غیرقابل تخطی» در کلیه شرایط تلقی شده‌اند یا به‌عبارت ساده تر تجاوز به این حقوق از جانب دولت‌ها تحت هیچ شرایطی پذیرفته نیست (بیرانوند، ۱۴۰۳: ۱۱۴-۱۱۳).

این حقوق غیرقابل تخطی عبارتند از: ۱- ممنوعیت کلیه اشکال تبعیض نژادی اعم از تبعیض براساس نژاد، رنگ، جنس، زبان، اصل و منشأ مذهبی یا اجتماعی؛ ۲- حق حیات که از حقوق ذاتی انسان است. این حق باید به‌موجب قانون رعایت شود. هیچ فردی را نمی‌توان خودسرانه و بدون مجوز از زندگی محروم کرد (بند ۱ ماده ۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی)؛ در دولت‌هایی که مجازات اعدام لغو نشده، صدور حکم اعدام جایز نیست، مگر در مورد مهم‌ترین جنایات طبق قانون لازم‌الاجرا در زمان ارتکاب جنایت که آن هم نباید با مقررات این میثاق و کنوانسیون‌های راجع به جلوگیری و مجازات نسل‌زدایی منافات داشته باشد (بند ۲ ماده ۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی). همچنین هر محکوم به اعدام حق خواهد داشت که درخواست عفو یا تخفیف مجازات کند (بند ۴ ماده ۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی). نهایتاً به‌موجب مفاد بند ۵ ماده ۶ میثاق، در هیچ حالت، حکم اعدام برای اشخاص کمتر از ۱۸ سال صادر نمی‌گردد و نیز این حکم در مورد زنان باردار قابل اجرا نیست.

### ۲-۳- وضعیت ممنوعیت اعدام در اسناد بین‌المللی

در ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر صراحتاً از حق حیات نام برده شده، اما درخصوص حدود و ثغور آن صحبتی به میان نیامده است. از نظر موافقان اعدام استثناهای مهم حق حیات اعدام است. سال‌ها بعد میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به‌شکل تلویحی اعدام را می‌پذیرد: «هر انسان حق ذاتی بر حیات دارد. این حق باید توسط قوانین حمایت شود. هیچ‌کس نباید به‌نحو خودسرانه از حیات خود محروم شود» (بند ۱ ماده ۶). درواقع سلب حیات خودسرانه است که تقبیح می‌شود، نه اعدام. دیگر بندهای این ماده اعدام را به رسمیت می‌شناسد و

عدم شمول مرور زمان و عطف به‌ماسبق‌شدن قاعده آمره می‌گردد، البته آثار قواعد آمره و تعهدات عام‌الشمول، صرفاً محدود به این موارد نیست (خزایی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۱۵-۱۱۴). یکی‌دیگر از آثار بسیار مهمی که باید به آن اشاره کنیم، این است که درصورت نقض یک قاعده آمره و یا یک تعهد عام‌الشمول، امکان استناد به علل و عوامل موجهه و حسب مورد رافع مسؤلیت وجود ندارد. در فضای حقوق بین‌الملل کیفری برخی از جنایات، مصداق «قواعد آمره» و «تعهدات عام‌الشمول» محسوب می‌شوند، در نتیجه قائل‌شدن وصف «آمره» و «عام‌الشمول بودن» برای این دسته از جنایات بین‌المللی، منتهی به آثار بسیار مهمی خواهد شد (Costelloe, 2017: 193-223). آن دسته از جنایاتی که در نظام حقوق بین‌الملل کیفری واجد وصف «آمره» و «عام‌الشمول بودن» هستند، درواقع مربوط به نقض‌های بنیادین حقوق بشر و بشردوستانه می‌باشند. از آن‌جا که تمام دولت‌های عضو جامعه بین‌المللی مکلف به جرم‌انگاری این دسته از جنایات در نظام‌های حقوق داخلی هستند، در چهارچوب تمام نظام‌های حقوق کیفری داخلی نیز جنایات مزبور مورد جرم‌انگاری قرار گرفته‌اند (Shelton, 2016: 36).

### ۲-۲- حق حیات در قامت یکی از مصادیق قواعد آمره و تعهدات عام‌الشمول در حقوق بین‌الملل کیفری

مصادیق قواعد آمره در یک سند بین‌المللی به‌صورت دقیق مشخص نشده است. باتوجه به منابع مختلف حقوق بین‌الملل (به‌ویژه معاهدات، عرف و رویه قضایی بین‌المللی) در هر حوزه از فضای حقوق بین‌الملل می‌توان مصادیق قواعد آمره را مشخص نمود. معیار مهمی که در مسیر تعیین مصادیق قواعد آمره باید به‌طور ویژه مد نظر قرار گیرد، این است که قواعد آمره اساساً غیرقابل تخطی می‌باشند. به‌بیان ساده‌تر قواعد مزبور در هر شرایطی باید رعایت شوند. حال پرسش این است که مصادیق قواعد آمره در فضای حقوق بشر بین‌المللی چه مواردی هستند. درواقع برای پاسخ به این پرسش می‌توانیم با مراجعه به منابع حقوق بشر بین‌المللی، آن دسته از قواعدی که تحت هر شرایطی باید رعایت شوند را بیابیم. در ادبیات حقوق بشر بین‌المللی مفهومی تحت عنوان «حقوق بنیادین بشری» وجود دارد. درواقع مقصود از این حقوق، حقوقی می‌باشد که

۷- اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی مورخ ۱۹۹۸ (مواد ۷۷ تا ۱۱۰).

نکته مهمی که باید به آن توجه داشت، این است که در نظام حقوق بین‌الملل کیفری، سندی که به صورت مستقل مجازات اعدام را برای جرایم مواد مخدر به صورت کلی ممنوع کرده باشد، وجود ندارد. در واقع نظام حقوق بین‌الملل کیفری در حال حاضر نه به صورت مصادقی، بلکه به صورت کلی و قامت یک اصل کلی به دنبال ایجاد ممنوعیت برای مجازات اعدام می‌باشد. پس از شکل‌گیری اصل مزبور، استثنائات آن مورد توجه قرار خواهد گرفت، در نتیجه در حال حاضر نمی‌توان از ممنوعیت اعدام در فضای حقوق بین‌الملل کیفری در موارد جرایم راجع به مواد مخدر سخن به میان آورد. به همین جهت در ادامه پژوهش حاضر تمرکز مباحث بر امکان‌سنجی حذف مجازات اعدام از منظر نظام حقوقی ایران و به طور خاص مبانی آن خواهد بود.

۲-۴- مجازات اعدام در اساسنامه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی  
اولین محکمه بین‌المللی که در ارتباط با مجازات اعدام می‌توان به آن مراجعه نمود، دادگاه‌های نورمبرگ و توکیو می‌باشد که برای محاکمه جنایتکاران جنگ جهانی دوم تشکیل شدند. دادگاه نظامی نورمبرگ پس از پایان کار، از ۱۴۲ متهم، ۲۵ نفر را به اعدام محکوم کرد (Parish, 2011: 86). از طرفی نیز دادگاه توکیو که با اعلامیه ژنرال مک آرتور تشکیل شد، از بیست‌وپنج متهم، هفت نفر را به اعدام محکوم کرد (Bassiouni, 2008: 615).

دادگاه بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق که در ۲۵ می ۱۹۹۳ از طریق قطعنامه ۸۲۷ شورای امنیت ملل متحد تشکیل گردید، نه در اساسنامه خود و نه در آرای صادره، هیچ‌گونه نامی از مجازات اعدام به میان نیاورده است، بلکه به نظر می‌رسد که حبس‌های طولی‌المدت در این دادگاه، جایگزین مجازات حبس شده است (Hirsh, 2003: 73).

یک سال پس از تشکیل دادگاه بین‌المللی برای یوگسلاوی، در واکنش به نقض‌های شدید حقوق بشر دوستانه در رواندا، شورای امنیت در نوامبر ۱۹۹۴ و به موجب قطعنامه ۹۸۸ مبادرت به

تنها محدودیت بر آن را این می‌داند که صرفاً باید در خصوص جرایم مهم اعمال شود و برابر اصول دادرسی منصفانه باشد (Wheatley, 2019: 155-156). واضح است که تا سال ۱۹۶۶ اسناد بین‌المللی حقوق بشر همچنان اعدام را در شمار مجازات‌های مشروع می‌داند. این تفسیر توسط کمیته حقوق بشر هم ذیل تفسیر شماره ۳۶ پذیرفته شده است. با این حال پروتکل اختیاری دوم میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مستقیماً به اعدام می‌پردازد و آن را ممنوع اعلام می‌کند: «هیچ کس در قلمروی دولت‌های عضو پروتکل حاضر نباید اعدام شود» (بند ۱ ماده ۱). در نظام‌های منطقه‌ای نیز از دهه ۱۹۸۰ ممنوعیت اعدام نمایان می‌شود. ماده ۱ پروتکل شماره ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در سال ۱۹۸۳ اعدام را ممنوع می‌کند. این مقرره در ماده ۱ پروتکل شماره ۱۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز تکرار شده است: «مجازات اعدام باید ممنوع شود. هیچ‌کس نباید به چنین مجازاتی محکوم شده یا اعدام شود.» در پروتکل ممنوعیت اعدام کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر نیز اعدام ممنوع شده، با این استثنا که کشورهایی با اعمال حق شرط می‌توانند در زمان جنگ با رعایت سایر مصادیق حقوق بشر، اعدام را از سرگیرند (Peleg, 2019: 208-209).

تاکنون بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی مانند سازمان عفو بین‌الملل و سازمان‌های بین‌المللی منطقه‌ای مانند شورای اروپا، این مجازات را خودسرانه، تبعیض‌آمیز و جبران‌ناپذیر توصیف کرده‌اند. مهم‌ترین اسناد بین‌المللی که تا به امروز مجازات اعدام را به صورت غیرمستقیم تقبیح و یا اعمال محدودیت برای اجرای آن را به رسمیت شناخته‌اند، عبارتند از:

۱- کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی مورخ ۴ نوامبر ۱۹۵۰؛

۲- میثاق حقوق مدنی و سیاسی مورخ ۱۹۶۶ (مواد ۶ و ۷)؛

۳- کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر مورخ ۱۹۶۹ (ماده ۴)؛

۴- منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم مورخ ۱۹۸۱ (ماده ۴)؛

۵- معاهده حقوق کودک مورخ ۱۹۸۹ (ماده ۳۷)؛

۶- منشور آفریقایی حقوق و رفاه کودک ۱۹۹۰ (مواد ۵ و ۳۰)؛

بوده که عنوان محاربه و افساد فی الارض را مترادف با هم بدانند و بین آنها تفاوتی قائل نمی‌باشد. نتیجه این که افساد فی الارض نمی‌تواند جرمی مجزا و مستقل از محاربه باشد تا بتواند مبنای مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر قرار گیرد.

اما دسته دیگری از محققان، به عدم اتحاد معنوی «محاربه» و «افساد فی الارض» قائل بوده و آن‌ها را مفاهیم جداگانه‌ای می‌دانند، لکن در این نظریه، تحقق هر دو عنوان برای مجازات موضوع آیه لازم بوده یا با تحقق رکن مادی هریک از این عناوین، مجازات منظور قابلیت مورد حکم واقع شده و اجرا دارد یا خیر، دو حال را قابل تصور می‌دانند (رهبری و نورمحمدی، ۱۳۹۷: ۲۲۱-۲۱۷).

قائلین به حال اول از این نظریه ثانی، معتقدند که برای صدور حکم به مجازات مرتکب، لازم است هر دو عنوان محاربه و افساد فی الارض محقق شود، بدین معنا که این گروه از فقها، جمله دوم آیه را ناظر به سلاح کشیدن به قصد ایجاد فساد در زمین دانسته‌اند (میرمحمدصادقی و رحمتی، ۱۳۹۴: ۲۵). به تعبیر دیگر برای محاربه سه شرط را لازم دانسته‌اند: تجهیز سلاح، قصد اخافه مردم، قصد افساد در زمین و از انواع افساد تنها آن نوعی که «مفسد - محارب» است مشمول آیه قرار می‌گیرد، یعنی تنها اگر جرایم مواد مخدر به صورت مسلحانه صورت گیرند، عمل چنین مرتکبینی محاربه و افساد فی الارض می‌باشد؛ همان‌گونه که ماده ۱۱ اصلاحیه قانون مبارزه با مواد مخدر نیز اشعار می‌دارد: مجازات اقدام به قاچاق مواد مخدر (که همه آن‌ها ایجاد فساد می‌کنند) تنها قاچاق مسلحانه مواد مخدر مشمول حکم «مفسد - محارب» قرار می‌گیرد.

آیت‌الله هاشمی شاهرودی نیز پس از بحثی وافر و وافی در زمینه تفسیر موسع عنوان افساد فی الارض، در قسمت اخیر بحث می‌فرماید: «سخنان فقها مطلبی است که ما پیشتر به هنگام بحث از آیه مبارکه گفتیم که مراد از عنوان افساد در زمین، افساد به صورت تجاوز و تعدی به دیگران است نه مطلق فساد» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۸: ۲۱۲).

محققین معتقدند در اندیشه امام خمینی (ره) نیز تأکید بر این امر شده است که چنانچه محاربه مستلزم وجه افساد باشد، مجازات‌های چهارگانه آیه محقق است، شرط تحقق محاربه را

تشکیل دادگاه کیفری بین‌المللی برای رواندا نمود. در اساسنامه پیشنهادی این دادگاه نیز مجدداً مجازات اعدام پیش‌بینی نشده بود. لازم به ذکر است در زمان تصویب قطعنامه، دولت چین به آن قطعنامه به علت عدم پیش‌بینی مجازات اعدام، رأی ممتنع داد و دولت رواندا نیز که عضو غیردائم شورای امنیت بود، به قطعنامه مزبور رأی منفی داد (Schabas, 2008: 237).

در نهایت، در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری نیز نه تنها مجازات اعدام پیش‌بینی نشده است، بلکه تکلیف برای دیوان کیفری بین‌المللی به تبعیت از اسناد بین‌المللی حقوق بشر نیز مقرر گردیده است. در ماده ۷۷ اساسنامه دیوان، مجازات‌های قابل اعمال به حبس تا حداکثر سی سال و نیز حبس ابد در صورتی که شدت جرم و اوضاع و احوال شخصی مرتکب آن را توجیه نماید، محدود شده‌اند.

### ۳- نظر فقها در خصوص ادله فقهی محاربه و افساد فی الارض در محکومین به اعدام

آنچه از ظاهر امر برمی‌آید، این است که مجازات اعدام موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر با استناد به آیه شریفه ۳۳ سوره مبارکه مائده وضع شده است. بر همین اساس به نظر می‌رسد باید در خصوص این که «محاربه» و «افساد فی الارض» که در این آیه شریفه به کار برده شده است، عناوینی مستقل و جدا از یکدیگری هستند یا این دو لفظ ناظر به یک موضوع واحد بوده و براساس ترادف به کار برده شده است (باقری، ۱۳۹۸: ۳۲). در پاسخ به این سؤال مهم، غالباً دو نظر اصلی میان مفسران و فقها مشاهده می‌شود.

نظریه اول بر این فرض استوار است که «محاربه» و «افساد فی الارض» در این آیه شریفه از اتحاد معنوی برخوردار بوده و اکثریت فقها و مفسرین اسلامی شیعه و اهل سنت، قائل به اثری متفاوت در خصوص به کار بردن دو لفظ «محاربه» و «افساد فی الارض» در این آیه ندارند، چراکه اینان معتقدند «محاربه با خدا و رسول از طریق ایجاد فساد در زمین» ایجاد می‌شود (عندلیب، ۱۳۹۸: ۱۴۹).

قانون‌گذار در ماده ۱۸۳ قانون مجازات اسلامی نیز با وضع: «هرکسی که ... محارب و مفسد فی الارض است» به دنبال آن

این خصوص، آیت‌الله سیدمحمد موسوی بجنوردی رئیس سابق دادگاه عالی و عضو شورای عالی قضایی می‌فرمایند: «من شخصاً از ایشان امام خمینی برای دادگاه عالی قضات استفتاء کردم که آیا قاچاقچیان مواد مخدر مستحق اعدام هستند یا خیر؟» ایشان فرمودند: «چنانچه حمل اسلحه، شرارت و فساد کنند»، یعنی ایشان، نفس مفسد را به تنهایی به‌عنوان یک جرم مستقل [با مجازات اعدام] قبول نداشتند. نظر ایشان در این باره این بود که عنوان مفسد فی الارض به‌خودی‌خود، عنوان مجرمان‌های که مستحق اعدام باشد، نیست. در کتاب «تحریرالوسیله»، ایشان می‌نویسند که: «المحارب: هو کل من جرد سلاحه او جهزه لاختافه الناس و اراده الافساد فی الارض؛ فی بر کان او فی بحر، فی مصر او غیره، لیلاً او نهاراً» (موسوی خمینی، ۱۳۹۲: ۱۴۳)؛ در این جمله «و» عطف آمده، یعنی در اینجا موضوع مرکب از حمل اسلحه، شرارت و فساد است و نفس افساد فی الارض، موضوع نیست. طبق نظر ایشان چنانچه فردی، حمل اسلحه، شرارت و فساد کند، آنجاست که قاضی نه الزاماً، بلکه می‌تواند حکم اعدام بدهد، چراکه قرآن به‌صراحت علاوه‌بر به دازدن به موارد دیگر، یعنی بریدن یک دست و یک پا برخلاف یکدیگر و تبعید فرد محارب هم اشاره می‌کند، البته حمل مواد مخدر هم جرم است و کیفر دارد، اما مجازات آن اعدام نیست. در واقع موارد اعدام در اسلام معین است (پورهادین، ۱۴۰۰: ۱۶).

۲- نظر مرحوم آیت‌الله العظمی اراکی: مرحوم آیت‌الله العظمی اراکی در پاسخ به سؤالی در مورد مصادیق قاچاق و پخش مواد مخدر به‌عنوان مفسد فی الارض و اعدام عاملین آن چنین فتوا داده‌اند: «محل اشکال است، بلکه ظاهر آن است که «ویسعون فی الارض فساداً» بیان باشد برای «الذین یحاربون الله» (اراکی، ۱۳۷۱: ۱۹۷). در این فتوا، مقصود، آن بوده که اطلاق فساد فی الارض فقط برای محاربه با خداست و به مواردی که سؤال شده - پخش مواد مخدر و به فساد کشاندن جوانان و رواج فحشا و منکرات - اطلاق نمی‌شود (پورهادین، ۱۴۰۰: ۱۸).

۳- نظر آیت‌الله محمد یزدی، رئیس سابق قوه قضاییه در خصوص احکام اعدام جرایم مواد مخدر: «... به‌نظر ما در اینجا مسأله اعدام، یک قانون شرعی نیست که نتوانیم آن را تغییر دهیم و جابه‌جا کنیم، بلکه اعدام، یک قانون حکومتی

این دانسته‌اند که محارب قصد افساد در زمین را علاوه‌بر ترساندن مردم از طریق کشیدن سلاح نیز داشته باشد (ابراهیمی ورکیانی و شاپوری، ۱۳۹۳: ۱۹).

لکن در مقابل عده دیگری معتقدند در فرضی که اتحاد معنوی محاربه و افساد فی الارض وجود نداشته، موضوع عبارت است از «افساد فی الارض» و محاربه از آن جهت که از مصادیق افساد فی الارض است، مشمول مجازات‌های مقرر در آیه شده است (اخوان، ۱۳۹۶: ۴۳). بر این اساس، طبق نظر اکثریت فقها، یعنی گروه اول و دسته اول از گروه دوم، مجازات اعدام برای حمل‌کننده مواد مخدر صرفاً در صورت حمل اسلحه، شرارت و فساد می‌تواند جاری شود، ولی طبق نظر اقلیت فقها، یعنی دسته دوم از گروه دوم، عاملین خرید یا فروش یا حمل مواد مخدر، حتی اگر مسلحانه و همراه با شرارت نباشد هم مفسد فی الارض محسوب شده و می‌توان به مجازات اعدام محکوم شوند (سهرابی و مجیدی، ۱۳۹۲: ۱۰۲-۱۰۱). در قوانین مختلف کیفری نیز جرایمی مقرر گشته‌اند که در آن‌ها بدون این که مرتکب سلاح به دست بگیرد و در ارتکاب آن‌ها سلاح به‌کار رفته باشد، محارب و یا مفسد فی الارض شناخته شده است. از این رو هر فعلی که موجب برهم‌زدن امنیت و آسایش عمومی شود، مشمول حکم محارب و یا مفسد فی الارض قرار خواهد گرفت و حکم مزبور شامل جرایم مواد مخدر نیز می‌شود، خواه جرایم مزبور به‌صورت مسلحانه انجام پذیرد و خواه به‌صورت غیرمسلحانه. باتوجه بدین امر که در ماده ۹ اصلاحیه قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶، صریحاً مقرر داشته شده که «مرتکب در حکم مفسد فی الارض و به اعدام محکوم می‌شود...»، به‌نظر می‌رسد قانون‌گذار محاربه و افساد فی الارض را دو جرم مستقل دانسته است (اخوان، ۱۳۹۶: ۴۴) و اعدام در جرایم مواد مخدر را از باب افساد فی الارض به عنوان جرمی جدا و مجزا از محاربه می‌داند.

#### ۴- دلایل فقهی و حقوقی حمایت از طرح حذف اعدام مجرمین مواد مخدر

۱- نظر امام خمینی (ره) از قول آیت‌الله سیدمحمد موسوی بجنوردی: «امام خمینی (ره) در زمینه مفسد فی الارض و محارب از نظر فقهی مرحوم صاحب جواهر متأثر هستند، در

و نظر حضرت امام خمینی (ره) قانون‌گذار تعزیرات غیرمنصوص شرعی یا احکام سلطانیه را به دو گروه تقسیم نموده است که یک دسته از آن همان تعزیرات - که براساس لایحه تعزیرات نوع و میزان و حداقل و حداکثر مجازات آن‌ها توسط قانون‌گذار تعیین شده است - و دسته دیگر نیز مجازات‌های بازدارنده می‌باشد، لذا مجازات‌های بازدارنده ماهیتاً همان تعزیرات غیرمنصوص شرعی محسوب می‌شوند و هر دو مجازات دارای ماهیت واحدی می‌باشند. بنابراین چون مجازات‌های بازدارنده ماهیت تعزیری دارند، در نتیجه این اصل که تعزیرات باید «دون الحد» باشند، مشمول مجازات‌های بازدارنده نیز می‌شود. از نظر مقنن مجازات بازدارنده، حذف مجازات خاصی است که تنها این مجازات قابلیت بازدارندگی دارد. همچنین مقنن با پیش بینی مجازات‌های بازدارنده از انتساب هر کیفر و عقوبتی به شرع مقدس پرهیز کرده است که این نکته از منظر جرم‌شناسی حقوقی در خور تحسین است (سلطانی و سلیمانی، ۱۳۹۴: ۱۳۶-۱۳۴). بر این اساس مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر به دلیل این که «دون الحد» محسوب نمی‌شود، نمی‌تواند جزء مجازات‌های بازدارنده باشد.

#### ۶- مجازات اعدام در قبال جرایم مواد مخدر در حقوق موضوعه

##### و بررسی آثار آن

#### ۶-۱- تبیین و تحلیل طرفداران اجرای مجازات اعدام خصوص

##### حاملین و نگهدارنده مواد مخدر

طرفداران اجرای مجازات اعدام معتقدند که مجازات اعدام، مجازات به حقی است که مجرمین مواد مخدر شایسته آن هستند، زیرا چنین مجرمینی «مفسد فی الارض» محسوب می‌شوند و آیات ۳۲ و ۳۳ سوره مبارکه مائده و آیه ۲۰۵ سوره مبارکه بقره نیز قتل مفسد را جایز شمرده‌اند، در نتیجه شخصی که با قاچاق مواد مخدر نظام صالح الهی را از حد اعتدال خارج می‌کند و موجب تباهی حرث و نسل می‌شود و جامعه را از حالت صلاح و سعادت به گمراهی و آلودگی می‌کشاند. آن‌ها معتقدند مجرمین مواد مخدر با اعمال خود باعث تباهی امنیت

ست و به عبارت بهتر، یک قانون‌گذاری از سوی حاکم است، نه یک قانون شرعی...» (عارفی مسکونی و همکاران، ۱۳۹۹: ۴۵۳).

۴- نظر مرحوم حاج شیخ محمدحسن صاحب جواهر از قول آیت‌الله سیدمحمد موسوی بجنوردی: من و مرحوم آیت‌الله فاضل لنکرانی، جواهر را بررسی کردیم که در آن سارقان مسلح، محارب خوانده شده بودند، اما در بین آنان دو نفر با عنوان‌های «بلیع» و «ردع» وجود دارد که کار اولی، ایستادن سر چهار راه و خبررسانی است و کار دومی نیز کمک‌رسانی به سارقان برای فرار. آنجا صاحب جواهر، گرچه این دو را مفسد فی الارض می‌خواند، اما می‌پرسد، آیا این دو هم محارب به‌شمار می‌روند یا خیر و ادامه می‌دهد، اجماع فقها بر این است که مفسد فی الارض زمانی می‌تواند حکم اعدام داشته باشد که در وجه محاربه باشد. بدان معنا که حمله اسلحه، شرارت، ایجاد رعب و وحشت و فساد کند، آنجاست که محارب خوانده می‌شود (Jamaran.news, 1403).

۵- نظر مرحوم آیت‌الله فاضل لنکرانی در مورد اعدام قاچاقچیان مواد مخدر: بهترین راه، کار فرهنگی است. اعدام اثر ندارد، اعدام فایده ندارد، اعدام حمل بر یک حالت قدرت طلبی می‌شود (درویشی و سرخه، ۱۳۹۹: ۱۸۱)، لذا آن‌چه می‌توان استنباط نمود، این است که مجازات اعدام قاچاقچیان مواد مخدر از حیث شرعی و به‌عنوان یک «حد»، حتی مورد اتفاق نظر علمای شیعه هم نمی‌باشد.

#### ۵- دلایل عدم بازدارندگی اعدام

در توضیح باید گفت که تعزیرات دو دسته‌اند: دسته اول، تعزیراتی که منصوص شرعی هستند و در شرع احصاء شده‌اند و شامل پنج مورد می‌باشند؛ دسته دوم، تعزیراتی هستند که منصوص شرعی نمی‌باشند و به آن‌ها احکام سلطانیه گفته می‌شود. در این دسته دوم، تعیین نوع و میزان آن با حاکم شرع می‌باشد؛ در جمهوری اسلامی ایران برخلاف رویه شرع و فقها

بیگانه از هم که برهنه در یک پوشش باشند، به ۱۰ تا ۹۹ تازیانه محکوم می‌شوند؛ ۵- کسی که بکارت دختری را با انگشت از میان ببرد، از ۳۰ تا ۷۷ ضربه تازیانه محکوم می‌شود.

۱- کسی که با زن خود در ماه رمضان آمیزش کند، به ۲۵ تازیانه محکوم می‌شود؛ ۲- کسی که با داشتن زن آزاد، کنیزی را بدون اذن زن، به عقد خود درآورد و با او درآمیزد، به یک‌هشتم حد زنا محکوم می‌شود؛ ۳- دو مرد بیگانه که برهنه در زیر یک پوشش باشند، به ۳۰ تا ۹۰ تازیانه محکوم می‌شوند؛ ۴- مرد و زن

هنگامی که فردی مبادرت به ارتکاب جرم مواد مخدر می‌کند، عوامل و علل بسیاری در مجرمیت وی نقش دارند، چه عواملی که در درون وی نقش دارند و چه عواملی که برخاسته از محیط اجتماعی می‌باشند. اعمال مجازات اعدام بر مجرمین مواد مخدر به معنای تحمیل تمام بار مجازات بر مجرم است، درحالی که در اغلب موارد مجرم مسؤول اعمال و کردار خود نمی‌باشد و این جامعه است که با ندادن ابزار و امکانات لازم به افرادش موجبات و زمینه ارتکاب جرم توسط آن‌ها را فراهم می‌آورد، لذا از آنجا که جامعه خود مقصر اصلی در ایجاد بزه است، تحمیل تمام بار مجازات بر چنین مجرمی عادلانه نیست و این سؤال مطرح می‌شود که سهم جامعه در مجرمیت مجرم چه می‌شود؟ جامعه‌ای که در تأمین نیازهای اولیه فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و رفاه و آسایش افراد یک جامعه داشته و مقصود و عامل اصلی وقوع جرم در جامعه جرم‌زا می‌باشد؛ حق اعدام بزهکاری را ندارد که خود معلول نظم حاکم بر آن جامعه است (گلدوزیان، ۱۴۰۳: ۲۱۸).

اگر ارتکاب جرایم مواد مخدر به درستی علت‌یابی شود، مشخص می‌گردد که علت در زمینه اصلی آن‌ها در جامعه وجود دارد. در تحقیقی که توسط اداره کل مطالعات و پژوهش‌های ستاد مبارزه با مواد مخدر صورت گرفته است، این نتیجه به دست آمد که: «علت اصلی گرایش به ارتکاب جرایم مواد مخدر، علل و عواملی چون فقر اقتصادی، فقر فرهنگی، بی‌سوادی، کمبود امکانات تفریحی، رفاه اقتصادی، فراوانی و ارزانی مواد مخدر، مهاجرت، تورم اقتصادی، سود سرشار و وسوسه‌انگیز ناشی از قاچاق مواد مخدر، مشکل ازدواج و تجرد، افزایش جمعیت، عرضه زیاد مواد، طلاق، خانواده‌های نابه‌سامان، سابقه تبه‌کاری والدین، مسکن و نارسایی‌های آن، نداشتن برنامه صحیح برای گذراندن اوقات فراغت، نوع شغل و عدم رضایت شغلی، محیط مجرمانه، وجود مراکز فساد، تعارض فرهنگی، اختلافات طبقاتی، قربانی‌هایی که موجبات وقوع جرم را تسهیل می‌کنند، تراکم جمعیت، جنگ و ... می‌باشد» (بخشی چغاب و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۷).

یکی از جرم‌شناسان معروف فرانسوی به نام «لاکاسانی» معتقد است اجتماع باید مسؤولیت اعمال بزهکارانه افراد بزهکار را

و سلامت جامعه شده و حرکت جامعه به سمت این‌که انسان‌های آن جامعه به کمال و صلاح برسند، مختل می‌کنند (عندلیب، ۱۳۹۸: ۱۵۱). چنین فردی مفسد است و شرعاً جایز و لازم است که برای دفع فساد، حفظ سلامت، امنیت و حیات جامعه و افرادش، چنین شخصی را اعدام نمود (محمدی گیلانی، ۱۳۸۵: ۲۶۷). فردی که با قاچاق مواد مخدر حرث و نسل را به تباهی می‌کشد و به نظم، امنیت، حیات و سلامت جامعه صدمه وارد می‌کند، چگونه حیاتش محترم است، درحالی که او برای سلامت و زندگی دیگران ارزش و اهمیتی قائل نیست و منافع نامشروع شخصی را بر منافع جامعه ترجیح می‌دهد؟ لذا عدالت، منطق و عقل حکم می‌کند که برای حفظ سلامت جامعه و افرادش چنین شخصی باید طرد و نابود گردد و اعدام مجرمین مواد مخدر، مسأله ارتکاب مجدد جرم توسط آن‌ها را منتفی کرده و حیات و سلامت و امنیت جامعه و افرادش را تضمین می‌کند و همچنین علی‌رغم شدت عمل و مبارزه قهرآمیز روزبه‌روز آمار جرایم مواد مخدر افزایش پیدا می‌کند، در چنین وضعیتی لغو مجازات اعدام موجب خواهد شد تا آمار جرایم مواد مخدر به‌طور سرسام‌آوری بالا رفته بقای سلامت و امنیت جامعه و افرادش را به نابودی بکشاند، لذا بحث بر سر مجازات اعدام، محلی از اعراب ندارد.

## ۶-۲- ادله مخالفان اعدام در خصوص حاملین و نگهدارنده مواد مخدر

مخالفان اعدام معتقدند که هیچ‌یک از ادله ارائه‌شده نمی‌تواند مورد قبول واقع شده و اعمال مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر را توجیه کند، زیرا این امر واقعیتی است که مجازات اعدام نه تنها تأثیری بر جرایم و مجرمین مواد مخدر ندارد، بلکه دارای معایب و ایرادات و مضار بسیاری است که هر کدام از آن‌ها به نوبه خود قابل تأمل می‌باشند (عارفی مسکونی و همکاران، ۱۳۹۹: ۴۵۵) و به دلیل وجود شبهه در مبنا این مجازات مشمول قاعده «تدراء الحدود بالشبهات» قرار می‌گیرد، مگر در مواردی که این به صورت مسلحانه انجام پذیرند که در آن صورت از باب «محاربه و افساد فی الارض»، می‌توان در مورد مرتکبین آن‌ها متوسل به مجازات اعدام شد.

نحوی نیز برخلاف اصل شخصی بودن مجازات‌هاست، زیرا موجب از بین رفتن آبرو، اعتبار و حیثیت خانواده معدوم می‌شود، درحالی‌که براساس اصل ۲۲ قانون اساسی «حیثیت افراد از تعرض مصون است، مگر به حکم قانون» و در مورد مذکور موجبی برای تعرض به حیثیت و اعتبار خانواده معدوم وجود ندارد. خلاصه این‌که شخصی که به جرم قاچاق مواد مخدر اعدام می‌شود، خودش تنها فقط چند دقیقه مجازات را تحمل می‌کند، ولی آثار و تبعات این مجازات به‌طور غیرمستقیم به پدر، مادر، همسر و فرزندان معدوم تحمیل می‌شود و این برخلاف اصل شخصی بودن مجازات‌ها و ناعادلانه است، لذا باتوجه به موارد فوق و باتوجه به این‌که فرموده حضرت امام خمینی (ره): «در شرایط کنونی تمامی قضات ماه قضات جامع‌الشرایط نمی‌باشند، بلکه قضات مأذون می‌باشند و اکثراً شروط شرعیه قضا را ندارند و حتی با اذن و یا نصب از جانب ولی امر نیز عنوان حاکم بودن شرعی برایشان ثابت نمی‌شود و تصدی آنان در امور قضا فعلاً از باب اکل میته است» (ابراهیمی و رکیانی و شاپوری، ۱۳۹۳: ۱۹)، شایسته است تا در مورد این مجازات تجدید نظر شود.

علاوه بر ایراداتی که بر اعمال مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر بیان شد، ایراد دیگری که بر مجازات مزبور وارد است، این است که اعمال مجازات اعدام موجب می‌شود تا در سطح بین‌المللی کشور ایران در مظان اتهام قرار گرفته و اعتبار و حیثیت کشور جمهوری اسلامی ایران دچار خدشه شود، زیرا مجازات اعدام از نظر آن‌ها مصداق بارز مجازات‌های خشن و غیرانسانی و تحقیرکننده است و محکوم به نقض حقوق بشر می‌باشد و اعدام یک مجازات بشردوستانه نیست و حقوق بشر مخالف آن است و این اعدام‌ها برابر قانون و آیین دادرسی نیست (اقبالی و عزیزی، ۱۴۰۰: ۲۸۱).

### نتیجه‌گیری

درخصوص مواد کشف‌شده نزد حاملین و نگهدارنده مواد مخدر می‌توان گفت، چنان‌چه مواد مخدر کشف شده باشند، اما هیچ‌گونه دلیل و قرائنی مبنی بر این‌که مواد مخدر توسط حامل یا نگهدارنده توزیع گردیده است، وجود نداشته باشد؛ در این صورت قطعاً مشمول حد افساد فی الارض نمی‌گردد. حال اگر مواد مخدر مکشوف با قرائن یا دلایل یا امارات مشخص شده چه مقدار توزیع گردیده و چه مقدار کشف شده است، در این

بپذیرد، چراکه فشارهای اجتماعی موجب حرکت بزهکار به سمت ارتکاب اعمال بزهکارانه می‌شود و بر این اساس «خطای جمع باید جانشین خطای فرد گردد» (جوان‌جعفری و اسفندیاری بهرآسمان، ۱۳۹۷: ۱۳۷).

لذا برای توجیه مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر استناد به این دلیل که چون مجرم با اراده آزاد و اختیار مرتکب جرم شده است، در نتیجه مسؤول است و باید پاسخگوی عملش باشد، صحیح نیست، زیرا پذیرفتن این دلیل بدین معنی است که محیط، تعلیم و تربیت، شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگ و ... در ارتکاب جرم هیچ نقشی نداشته‌اند، در صورتی که باید دانست که علل و عوامل ارتکاب جرایم مواد مخدر در اجتماع و محیط نهفته است و اگر به جای شناختن و مقابله با آن‌ها مجرم را نابود کنیم، نفعی نخواهیم برد. اجتماعی که به جای مقابله و رفع علل و عوامل جرم‌زا همانند فقر، بیکاری، بی‌سوادی و ... با مجرم مبارزه کرده و او را که قربانی همین اجتماع است، نابود می‌کند، از کدام منطق عادلانه و عاقلانه‌ای پیروی می‌کند؟ جامعه خود سبب ناکامی‌ها، بدبختی‌ها و کج روی‌های افرادش می‌باشد و عجب این است که جامعه از آلت و قربانی فعلی خود، یعنی مجرم انتقام می‌گیرد، قاعده این است که اگر سبب اقوی از مباشر باشد، سبب مسؤول است و نه مباشر، پس چرا باید مجرم که مباشر و قربانی جرم است، مجازات شود، ولی سبب از کیفر مصون بماند؟

همچنین یکی از مسلم‌ترین اصول حقوقی که مورد تأیید و تأکید حقوق اسلام نیز می‌باشد، اصل شخصی بودن مجازات‌هاست، بدین معنی که تنها مجرم باید بتواند عمل مجرمانه خویش را بپردازد و مجازات تنها باید علیه شخص مجرم اعمال، خانواده و کسان او را نباید شامل شود. مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر با این اصل تعارض و مغایرت دارد، اگرچه مجازات مستقیماً بر شخص مجرم اعمال می‌شود، ولی آثار و تبعات آن به‌صورت غیرمستقیم بر خانواده و وابستگان معدوم می‌شود. نکته دیگری نیز در این زمینه قابل توجه است، «ماده ۹ و ۱۱ اصلاحیه قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶» است که مقرر داشته: «حکم اعدام در صورت مصلحت در محل زندگی محکوم و در ملا عام اجرا شود»، اجرای حکم اعدام به چنین

فایده و جاهت است. در زمانه کنونی، کیفرهای سنگین چیزی جز یک تدبیر احساسی فاقد پشتوانه منطقی و توجیه عقلی که تنها به دنبال حذف فیزیکی مجرم و یا تسکین افکار عمومی و یا ایجاد ارعاب به منظور پیشگیری عمومی از طریق عبرت سایرین است، به نظر نمی‌رسد. بر همین اساس، به نظر می‌رسد در طول تاریخ، اعمال کیفرهای سنگین بیشتر از این که موجب اصلاح فرد و جامعه شود با ناکامی مواجه بوده است. در خصوص تعیین مجازات، باید عدالت اجتماعی و رأفت اسلامی رعایت شود تا هدف از مجازات - اصلاح مجرم و بازدارندگی از تکرار جرم - تحقق یابد.

**ملاحظات اخلاقی:** موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

**تعارض منافع:** تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

**سهم نویسندگان:** نگارش مقاله به صورت مشترک توسط نویسندگان انجام گرفته است.

**تشکر و قدردانی:** از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

**تأمین اعتبار پژوهش:** این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

### منابع و مأخذ

#### الف. منابع فارسی و عربی

- قرآن کریم.

- ابراهیمی ورکیانی، محمد و شاپوری، مریم (۱۳۹۳). «بررسی محاربه و افساد فی الارض با محوریت آرای امام خمینی (س)». فصلنامه پژوهشنامه متین، (۶۵): ۱۶-۲۲.

- اخوان، بهار (۱۳۹۶). «بررسی طرح تخفیف مجازات اعدام؛ در جرایم مواد مخدر». فصلنامه پژوهش‌نامه حقوق بشری، (۹): ۳۷-۶۰.

صورت یا مقدار توزیع شده مشخص می‌باشد که در این حال، مقدار توزیع شده از حیث گستردگی شامل عنوان افساد فی الارض می‌گردد. چرا مقدار مواد مخدر پخش شده به حد فساد عمومی رسیده و از مصادیق افساد فی الارض بوده و قطعاً حد جاری می‌گردد؛ در حالت دوم قابل تصور، مقدار مواد مخدر پخش شده به حد فساد عمومی نمی‌رسد و از مصادیق افساد فی الارض نبوده، فلذا قطعاً حد جاری نمی‌گردد. چنانچه مقدار توزیع شده مشخص نباشد، در این حالت، مشمول عنوان افساد فی الارض نشده و قطعاً حد جاری نمی‌گردد.

در نظام حقوق بین‌الملل کیفری، سندی که به صورت مستقل مجازات اعدام را برای جرایم مواد مخدر به صورت کلی ممنوع کرده باشد، وجود ندارد. در واقع، نظام حقوق بین‌الملل کیفری در حال حاضر نه به صورت مصداقی، بلکه به صورت کلی و قامت یک اصل کلی به دنبال ایجاد ممنوعیت برای مجازات اعدام می‌باشد. پس از شکل‌گیری اصل مزبور، استثنائات آن مورد توجه قرار خواهد گرفت، در نتیجه در حال حاضر نمی‌توان از ممنوعیت اعدام در فضای حقوق بین‌الملل کیفری در موارد جرایم راجع به مواد مخدر سخن به میان آورد. مطلب دیگر آن که توجیه فقهی کیفر اعدام برای مجرمین مواد مخدر با توسل به سه عنوان «افساد فی الارض»، «تعزیر شرعی» و «حکم حکومتی» امکان‌پذیر است. طبق بررسی متون فقهی به صورت قاطع می‌توان گفت؛ اعدام‌هایی که با توسل به عنوان «افساد فی الارض» توجیه می‌شوند، تطبیقی با موازین اسلامی ندارد. بنابراین موافقان با اعدام مجرمان مواد مخدر، تنها با توسل به حکم حکومتی و رعایت مصالح جامعه بر حسب اقتضای مصلحت کارشناسی و توسل به قاعده «کل حکم به عقل، حکم به شرع» و بالعکس، نظر خود را توجیه می‌کنند، البته توجه بدین نکته نیز ضروری است که زمان و مکان، از جمله عوامل مؤثر بر این است که امری مقتضی مصلحت باشد یا خیر که به نظر می‌رسد. با توجه بدین امر، چنانچه کارشناسان مربوطه، مصلحت جامعه را در برخورد جزمی و اجرای مجازات سنگین بدانند، فرض اعدام قابل توجیه می‌باشد، لکن بر اساس مبانی فقهی، کیفر اعدام در موارد نادر، بر اساس مصلحت قابل توجیه است. اعمال کیفر اعدام جزء در موارد خاص، از جمله به خطر افتادن جدی کیان جامعه یا نظام اسلامی

- خداخواه، نسیم (۱۳۹۸). «بررسی فقهی و حقوقی مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر». ماهنامه پژوهش و مطالعات اسلامی، ۶(۱): ۷۳-۸۵.

- خزایی، احمدرضا؛ یاقوتی، ابراهیم و بیرانوند، فرید (۱۳۹۸). جستارهایی پیرامون قواعد آمره و تعهدات عام‌الشمول. چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

- درویشی، مریم و سرخه، زینب (۱۳۹۹). «بررسی تغییرات مجازات اعدام در قانون مبارزه با قاچاق مواد مخدر مصوب ۱۳۸۹». فصلنامه مطالعات حقوقی، ۱۱: ۱۶۹-۲۰۲.

- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۰۴). المفردات فی غریب القرآن. چاپ دوم، قم: دفتر نشر الکتاب.

- رهبرپور، محمدرضا و نورمحمدی، حسین (۱۳۹۷). «چالش‌های حقوقی - قضایی جرم افساد فی الارض در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲». فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۲۲: ۲۰۵-۲۳۲.

- سلطانی، عباس علی و سلیمانی، حمید (۱۳۹۴). «درنگی در مبانی فقهی اعدام تعزیری مجدد». دوفصلنامه فقه و حقوق اسلامی، ۱۲: ۱۲۳-۱۵۴.

- سهرابی، منصوره و مجیدی، حسن (۱۳۹۲). «بررسی تفسیری رابطه افساد فی الارض با محاربه با تأکید بر آیه ۳۳ مائده». فصلنامه مطالعات تفسیری، ۱۶: ۹۳-۱۱۲.

- عارفی مسکونی، محمد؛ نجفی توانا، علی و شاملو، باقر (۱۳۹۹). «بررسی چرایی عدم کارایی مجازات‌های سنگین ایران در مبارزه با مواد مخدر». فصلنامه پژوهش نامه حقوق اسلامی، ۲۱: ۴۳۹-۴۶۰.

- عندلیب، حسین (۱۳۹۸). «بررسی پیشینه فقهی مبارزه با مواد مخدر و نقدی بر مجازات اعدام». دوفصلنامه فقه و حقوق معاصر، ۱۰: ۱۴۰-۱۵۷.

- قرائتی، حجه الاسلام محسن و متوسلی، علی محمد (بی‌تا). پیشگیری از جرم در آیات و روایات. جلد اول، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

- اخوان فرد، مسعود و بیرانوند، فرید (۱۳۹۲). «قواعد آمره و تعهدات عام‌الشمول در حقوق بین‌الملل». فصلنامه حقوق قضایی، ۲(۸): ۱۱-۳۰.

- اراکی، الشیخ محمد علی (۱۳۷۱). توضیح المسائل. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

- اقبالی، کیوان و عزیزی، ستار (۱۴۰۰). «مواضع سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی حقوق بشر در ارتباط با حکم اعدام درخصوص جرایم مواد مخدر در قوانین داخلی دولت‌ها». فصلنامه پژوهش‌های حقوقی، ۲۰(۴۵): ۲۷۵-۲۹۷.

- باقری، ابراهیم (۱۳۹۸). «موضوع‌شناسی محاربه و افساد فی‌الارض در فقه و حقوق اسلامی». فصلنامه پاسخ، ۱۶(۴): ۵۸-۲۱.

- بخشی چغاب، قدیر؛ عشایری، طاها و احمدی میلادی، مرضیه (۱۴۰۲). «مرور نظام‌مند و فراترکیب پژوهش‌های مرتبط با عوامل مؤثر بر مصرف مواد مخدر در ایران بین سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۴۰۰». فصلنامه اعتیادپژوهی، ۶۹: ۷-۳۸.

- بستانی، فؤاد افرام (۱۳۷۶). فرهنگ ابجدی. به کوشش رضا مهیار، چاپ دوم، تهران: اسلامی.

- بیرانوند، فرید (۱۴۰۳). رویه محاکم ملی در مواجهه با حقوق نرم بین‌المللی با تأکید بر حقوق بشردوستانه، چاپ اول، تهران: انتشارات فرهنگ.

- پایگاه اطلاع‌رسانی و خبری جماران (۱۴۰۳). قابل دسترسی در: [www.Jamaran.news.com](http://www.Jamaran.news.com).

- پوره‌ادین، مهرزاد (۱۴۰۰). «پیشگیری کیفری از مصرف مواد مخدر در جرم‌شناسی و آموزه‌های فقهی». اولین کنفرانس بین‌المللی حقوق بین‌الملل، حقوق، علوم سیاسی و علوم انسانی: ۱-۲۴.

- جوان جعفری، عبدالرضا؛ اسفندیاری بهرآسمان و صالح، محمد (۱۳۹۷). «نگرشی جامعه‌شناسانه بر تحولات مجازات اعدام نسبت به مجرمان مواد مخدر». فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۲۵: ۱۲۵-۱۵۷.

- Schutter, O (2019). *International Human Rights Law*. Cambridge: Cambridge University Press.

- Shelton, D (2016). *Sherlock Holmes and the Mystery of Jus Cogens*. In: Heijer M, Wilt H, Netherlands Yearbook of International Law: Jus Cogens: Quo Vadis?. Hague: Springer.

- Wheatley, S (2019). *The Idea of International Human Rights Law*. Oxford: Oxford University Press.

- قرشی بنایی، علی‌اکبر (۱۴۱۲). *قاموس قرآن*. جلد چهارم، چاپ ششم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

- گلدوزیان، دکتر ایرج (۱۴۰۳). *بایسته‌های حقوق جزای عمومی*. چاپ بیست‌وششم، تهران: میزان.

- محمدی گیلانی، محمد (۱۳۸۵). *حقوق کیفری در اسلام*. چاپ دوم، تهران: سایه.

- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۹۲). *تحریر الوسیله*. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، جلد اول، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

- میرمحمدصادقی، حسین و رحمتی، علی (۱۳۹۴). «مصادیق عدول از اصول کلی حقوق کیفری در جرایم علیه امنیت». *فصلنامه راهبرد*، ۷۶: ۵-۳۲.

- هاشمی شاهرودی، سیدمحمد (۱۳۷۸). *بایسته‌های فقه جزا*. تهران: میزان.

#### ب. منابع انگلیسی

- Bassiouni, C (2008). *International Enforcement*. Leiden: Martinus Nijhoff Publishers.

- Beer, A (2019). *Peremptory Norms of General International Law*. Boston: Brill.

- Costelloe, D (2017). *Legal Consequences of Peremptory Norms in International Law*. Cambridge: Cambridge University Press.

- Hirsh, D (2003). *Law against Genocide: Cosmopolitan Trials*. London: Glasshouse.

- Parish, M (2011). *Mirages of International Justice: The Elusive Pursuit of a Transnational Legal Order*. Cheltenham: Edward Elgar Publishing.

- Peleg N & Tobin J (2019). *The Right to Life, Survival, and Development*. In: Tobin J, The UN Convention on the Rights of the Child: A Commentary. Oxford: Oxford University Press.

- Schabas, W. A (2008). *War Crimes and Human Rights: Essays on the Death Penalty, Justice and Accountability*. London: Cameron May Ltd.